

هادی یعقوب زاده (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>**چکیده**

جبهه نجات اسلامی الجزایر یا همان «الجبهة الإسلامية للإنقاذ» یکی از جریان‌های اسلام‌گرای الجزایر بوده است که در سال ۱۹۸۹ میلادی و پس از ایجاد فضای باز سیاسی در کشور الجزایر پا به عرصه سیاست نهاد. این جبهه متأثر از عوامل متعددی بوده که یکی از آنها انقلاب اسلامی ایران است. بدین‌سان، پرسش پژوهش حاضر این خواهد بود که انقلاب اسلامی ایران چه نقش و جایگاهی در جبهه نجات اسلامی الجزایر داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش، داده‌های مرتبط از منابع گزارشی و تحلیلی گردآوری و بر مبنای روش تطبیقی - تحلیل واکاوی گردید و این نتیجه به دست آمد که انقلاب اسلامی ایران در پاشیدن بذر شکل‌گیری جبهه و نیز در تداوم حیات آن نقش داشته است. این نقش که نقشی طبیعی بوده، با تطبیق و تحلیل شعارها، پیام‌ها، اهداف، روش و رفتار سیاسی جبهه نجات اسلامی با انقلاب اسلامی ایران قابل‌دریافت و فهم است. با این‌وجود، جایگاه انقلاب اسلامی ایران در میان جبهه نجات اسلامی یکسان نبوده و جریان‌های نزدیک به سلفیه به رهبری علی بلحاج و اگرایی با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند. در مقابل، جریان‌های میانه‌رو به رهبری عباس مدنی که رهبری کلی جبهه نجات اسلامی الجزایر را نیز داشته، با جمهوری اسلامی همگرایی داشته و برای نزدیک‌کردن دیدگاه‌های اعضای جبهه به جمهوری اسلامی تلاش کرده‌اند.

واژگان کلیدی: جبهه نجات اسلامی الجزایر، انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، عباس مدنی، علی بلحاج.

---

<sup>۱</sup> - استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه هنر ایران، yaghoubzadeh@art.ac.ir

## مقدمه

«الجهة الاسلامية للإنقاذ» یا «جبهه نجات اسلامی الجزایر» یکی از احزاب سیاسی اسلام‌گرا در کشور الجزایر است که در سال ۱۹۸۹ میلادی، پس از اعلام رفع محدودیت احزاب در کشور الجزایر اعلام موجودیت کرد. الجزایر کشوری اسلامی است که در شمال آفریقا و در جنوب دریای مدیترانه واقع شده است. این کشور از شمال به دریای مدیترانه، از شمال شرقی به تونس، از شرق به لیبی، از جنوب به نیجریه و مالی، از جنوب غربی به موریتانی و از غرب به کشور مغرب و صحرای غربی محدود می‌شود (امیردهی، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

این کشور از سه طرف توسط صحرای بزرگ آفریقا احاطه شده است. الجزایر با وسعت ۲۳۸۰۰۰۰ کیلومتر مربع، پس از سودان دومین کشور پهناور آفریقا و دهمین کشور در جهان محسوب می‌گردد (دل‌آرام، ۱۳۹۱، مقدمه: صفحه ب). اکثریت جمعیت الجزایر را که در عصر امویان، به سرزمین‌های اسلامی ضمیمه شد، مسلمانان تشکیل می‌دهند. همچنان که مهم‌ترین قومیت حاضر در این کشور اعراب شای هستند که اکثریت جمعیت الجزایر را تشکیل می‌دهند. بعد از اعراب شای، بربرها هستند که به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. بربرهایی که هویت عربی یافته و اکثریت بربر الجزایری را تشکیل داده و از موقعیت خوبی برخوردارند.
۲. بربرهایی که در برابر فرهنگ عربی و زبان آن مقاومت به خرج داده و اصالت‌های فرهنگی خود را حفظ کرده و زبان بومی خود؛ آمازیگی را

حفظ نموده‌اند. اینان که در اقلیت هستند، با پذیرش زبان فرانسه در حقیقت به عرب‌ها دهن کجی نمودند (امیردهی، ۱۳۸۸: ۱۳۷-۱۳۸).

در سال ۱۸۳۰ م، استعمار فرانسه، برای توسعه مستعمرات آفریقائی خود، به الجزائر حمله کرد. اما درست در همان سال «شیخ عبدالقادر»، قهرمان مسلمان الجزائری؛ که فرزند یکی از روحانیون بود و خود به تحصیلات علوم دینی اشتغال داشت، علیه نیروهای متجاوز قیام کرد و سالیان متمادی، با نیروهای اشغال‌گر که روز بروز تقویت می‌شدند، جنگید (خسروشاهی، ۱۳۷۹: ۱۱؛ علوی، رضوان طلب، ۱۳۹۲: ۲۳۸).

از این رو، از اشغال الجزایر در ۱۸۳۰ توسط فرانسه، تا اعطای خودمختاری به آن در ۱۹۰۰، و تا آغاز مبارزات استقلال طلبانه در ۱۹۴۵، جریان اسلامی در صف مبارزه با استعمار فرانسه قرار داشت. با شروع شورش‌های مردمی برای کسب استقلال در سال ۱۹۴۵، شدت عمل فرانسه در برخورد با مردم افزایش یافت، به طوری که ۴۰ هزار نفر از مردم به وسیله فرانسویان، کشته شدند. این حرکت‌ها ادامه پیدا کرد تا اینکه در ۱۹۵۴، به رهبری جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر، دور جدید مبارزات استقلال طلبانه مردم، برای کسب آزادی از چنگال فرانسه آغاز و به مدت هشت سال طول کشید.

این مبارزات در ژوئیه ۱۹۶۲ م، به ثمر نشست و مردم الجزایر علاوه بر آنکه طعم شیرین پیروزی را چشیده و استقلال خود را به دست آوردند (امیردهی، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۴۲)، یکی از رخدادهای مهم قرن بیستم را رقم زدند که به حضور ۱۳۰ ساله استعمار فرانسه پایان داد (علوی، رضوان طلب، ۱۳۹۲: ۲۳۳). در طول این مبارزات، نقش اسلام و نیروهای مسلمان بسیار پر رنگ

بود، به گونه‌ای که در گزارشی که کاردینال شارل لایوئری<sup>۱</sup> اسقف اعظم الجزیره از ۱۸۶۷ به بعد، در این مورد تهیه و به مقامات فرانسوی ارسال کرده بود، به این موضوع اشاره شده است. وی همچنین در این گزارش می‌نویسد:

«برای ما ضروری است که این ملت را از «قرآن» نجات دهیم و به آنها آزادی! ببخشیم و لااقل کودکان و جوانان را از هم‌اکنون بر مبنایی جدید! تربیت کنیم و انجیل را به آنها یاد دهیم» (خسروشاهی، ۱۳۷۹: ۱۹).

این سخن نشان‌دهنده نقش بارز مفاهیم دینی در جوش و خروش مردم الجزایر و مبارزه آنها بر ضد فرانسویان است. در واقع نیروهای مسلمان در ابتدا و در طول مسیر استقلال‌طلبی باتکیه بر اسلام جهادی و بعدها باتکیه بر اسلام سیاسی به تقابل با استعمارگری و ظلم فرانسویان پرداختند (برومند اعلم، ۱۳۹۱: ۳۹).

جالب اینجاست که با وجود نقش به‌سزایی که اسلام در به ثمر رساندن مبارزات استقلال‌طلبانه مردم الجزایر داشت، بعد از پیروزی مردم و هنگامی که جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر قدرت را به دست گرفت، دین اسلام به‌عنوان مبنای اداره کشور مورد توجه قرار نگرفت. این بی‌توجهی زمینه بروز و ظهور جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی که از مهم‌ترین آنها «جبهه نجات اسلامی الجزایر» بود را فراهم کرد. با این حال، پیدایش جبهه

نجات اسلامی الجزایر، معلول علل و عوامل دیگری بود که از جمله آنها انقلاب اسلامی ایران بود که در این نوشتار به نقش آن در پیدایش جبهه نجات اسلامی الجزایر و نیز جایگاه انقلاب اسلامی در میان رهبران جبهه نجات اسلامی الجزایر پرداخته خواهد شد. تذکر این نکته ضروری است که مراد از نقش، اثرگذاری مستقیم نیست، بلکه مراد تأثیرپذیری جبهه نجات اسلامی از انقلاب اسلامی ایران و تحولاتی است که در ایران و منطقه و جهان به وجود آورد.

### پیشینه پژوهش

پژوهش درباره استقلال الجزایر و موضوعات پیرامونی آن به دلیل اهمیت و جایگاه الجزایر در آفریقا و جهان موردعلاقه بسیاری از پژوهشگران بوده است. بر همین اساس، پرداختن به جبهه نجات اسلامی الجزایر نیز دغدغه برخی از نویسندگان بوده است که نتیجه آن پدیداری آثاری در معرفی و تحلیل راهبردها و برنامه این جنبش بوده است. با این حال، پرداختن به نقش و جایگاه انقلاب اسلامی ایران در جبهه نجات اسلامی الجزایر پیش تر به صورت مستقل مورد پژوهش قرار نگرفته است.

همچنان که این موضوع دغدغه عباس برومند اعلم در مقاله «ظهور و کارکرد اسلام سیاسی در روند استقلال الجزایر» (۱۳۹۱)، نبوده و نویسنده در این اثر با نگاهی کلی به بررسی نقش اسلام سیاسی در استقلال الجزایر و تبیین عملکرد جمعیت علماء المسلمین در این عرصه پرداخته است. همچنان که مدخل «جبهه نجات اسلامی الجزایر» در دانشنامه جهان اسلام، نوشته ستار

عودی (۱۳۸۴)، مروری کلی بر شکل‌گیری و تحولات این جبهه داشته و موضوع تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر جبهه نجات اسلامی الجزایر را مورد پژوهش قرار نداده است.

بر همین منوال می‌توان از مقاله «بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام» نوشته منوچهر محمدی، (۱۳۸۳)، یاد کرد که صرفاً اشاراتی کلی به تأثیر انقلاب اسلامی بر جبهه نجات اسلامی الجزایر داشته و این موضوع را به‌صورت کامل مورد بررسی قرار نداده است.

با آنکه انتظار می‌رفت مقاله «تحلیل تأثیر بحران فرهنگی اجتماعی، انقلاب اسلامی ایران و جهانی‌شدن بر ظهور اصول‌گرایی اسلامی در الجزایر» نوشته دوست‌محمدی و زاهدی ما را از انجام پژوهش جدید در تبیین تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر الجزایر بی‌نیاز سازد، اما بررسی این اثر نشان داد که این هدف به دلیل چندوجهی بودن مسئله مقاله فوق محقق نشده و تنها سطوری اندک به بررسی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در پیدایش جبهه نجات اسلامی الجزایر اختصاص داده شده است. مقالات و پژوهش‌های دیگری می‌توان سراغ گرفت که هر چند به بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر تحولات معاصر پرداخته‌اند، اما به همین دلیل از دایره پژوهش حاضر خارج بوده و نوشتار حاضر را از جدید بودن خارج نمی‌کنند.

بنابراین، می‌توان گفت پژوهش حاضر بررسی‌ای جامع از تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جبهه نجات اسلامی الجزایر است که از اواخر دهه هشتاد تا زمان انحلال آن، مهم‌ترین جریان اسلام‌گرا در این کشور به حساب می‌آید.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای علی است که بر پایه گردآوری داده‌های مرتبط از منابع مختلف اعم از منابع گزارشی و تحلیلی، و با بهره‌گیری از روش تحلیلی - تطبیقی سامان یافته و به دنبال آن است که پیامدها و تأثیرات انقلاب اسلامی ایران را بر پیدایش جنبه نجات اسلامی الجزایر مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

### ۱- شناخت جنبه نجات اسلامی الجزایر

شکل‌گیری جنبه نجات اسلامی الجزایر در واقع پاسخی به ناکامی‌ها از جنبه ملی آزادی‌بخش بود که به دلیل بی‌توجهی به قوانین اسلام مورد بی‌مهری جامعه اسلامی الجزایر قرار گرفت. جنبه نجات اسلامی که خود را تداوم جمعیت علماء المسلمین به رهبری عبدالحمید بن بادیس (د. ۱۹۴۰)، می - دانست (برومند اعلم، ۱۳۹۱: ۳۹)،

در تاریخ ۱۹۸۹ میلادی و در پی آزادی‌های سیاسی شاذلی بن جدید؛ رئیس‌جمهور الجزایر و برداشتن قانون تک‌حزبی پدیدار گشت (فوزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۹). این جنبه به دلیل شعارهای اسلامی و اهدافی که ترسیم کرده بود، مورد اقبال مردم الجزایر قرار گرفت و گوی سبقت را در محبوبیت و هواداری از دیگر رقبا ربود (شافعی، ۱۳۸۲: ۶۰). جنبه نجات اسلامی الجزایر در پی ائتلاف ۳۰۰ سازمان اسلامی، خیریه و فرهنگی، و پس از گردهمایی رهبران این گروه‌ها در مسجد «السنه بالعود» عملاً پا به عرصه صحنه سیاسی الجزایر گذاشت. به طور کلی چهار جناح عمده و متمایز در این جنبه حضور فکری دارند که ذیلاً به آن اشاره می‌شود:

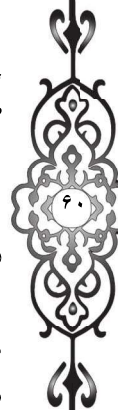
۱. جناح تندرو که گرایشاتی سلفی داشت و رهبری آن را علی بلحاج به عهده داشت. این گروه که گرایشی رادیکال داشتند، از موافقان مبارزه مسلحانه بر ضد دولت بودند.
  ۲. جناح میانه‌رو و اصلاح طلب به رهبری عباس مدنی که ریاست جبهه را نیز بر عهده داشت. این گروه خواستار تشکیل دولت اسلامی از راه مسالمت آمیز بودند.
  ۳. گروه جزائره<sup>۱</sup> به رهبری محفوظ نحناح که معتقد به انجام دادن فعالیت در داخل الجزایر و محدودکردن قیام در کشور بود و معمولاً افراد فرهیخته و روشنفکر، مانند محمد سعید و عبدالقادر حسانی، از این جناح حمایت می‌کردند (عودی، ۱۳۸۴، ذیل: «جبهه نجات اسلامی الجزایر»؛ محمد، ۱۳۸۴: ۵۶-۵۷؛ دوست‌محمدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱۲). با تشکیل جبهه نجات اسلامی، به تدریج و با عضوگیری جبهه، زمینه مناسبی فراهم شد تا جبهه بتواند در عرصه فعالیت‌های سیاسی پا بگذارد.
- اولین حضور جدی جبهه، شرکت در انتخابات شهرداری‌ها و شوراهای بود که با موفقیت چشمگیر جبهه همراه بود. در ژوئن ۱۹۹۰، جبهه نجات اسلامی در انتخابات شهرداری‌ها و شوراهای شهر (ایالت) الجزایر، به‌رغم مانع تراشی‌های ارتش، توانست حدود ۵۵٪ آراء را کسب کند، در حالی که جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر تنها حدود ۲۸٪ آراء را به دست آورد.

۱. جریان الجزائره نماینده اسلام الجزایری بود که از نظر سلفی‌ها جریان خیانت‌کاری بود که ارتباطات مشکوکی با رژیم الجزایر داشت و برخی از دانشگاهیان فرانکوفونیست فارغ‌التحصیل از مراکز علمی را که از تعالیم و تفکرات مالک بن نبی بهره جسته بودند، در خود جای داده بود (محمد، ۱۳۸۴: ۵۵).

این جبهه همچنین در انتخابات شوراهای شهر نیز اکثریت (حدود ۶۰٪) آرا را به دست آورد و از مجموع ۴۸ شورای شهر در ۳۲ شورا پیروز شد (عودی، ۱۳۸۴، ذیل: «جبهه نجات اسلامی الجزایر»؛ محمد، ۱۳۸۴: ۶۳-۶۴).

همچنین، جبهه نجات اسلامی توانست در اولین مرحله انتخابات آزاد مجلس الجزایر که در دسامبر ۱۹۹۱ برگزار گردید، از مجموع ۴۳۰ کرسی، ۱۸۸ کرسی را به دست آورد و فقط چند کرسی نیاز داشت تا اکثریت را کسب کند، در حالی که جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر، به‌عنوان حزب حاکم، فقط شانزده کرسی به دست آورد (عودی، ۱۳۸۴، ذیل: «جبهه نجات اسلامی الجزایر»؛ امیردهی، ۱۳۸۸: ۱۵۳-۱۵۴). این پیروزی و نیز قطعی شدن پیروزی جبهه نجات اسلامی در مرحله دوم انتخابات مجلس، امری بود که خوشایند احزاب مخالف جبهه و ارتش نبود. این مسئله باعث دخالت ارتش شد، به‌گونه‌ای که ارتش، شاذلی بن جدید را وادار کرد تا مجلس را در ۴ ژانویه ۱۹۹۲ منحل و خود نیز در ۱۱ ژانویه ۱۹۹۲ استعفا دهد. لغو مرحله دوم انتخابات، استعفای بن جدید و کودتای ارتش، از سوی عبدالقادر حسّانی؛ رهبر موقت جبهه، محکوم گردید.

این مسائل باعث شد که اوضاع کشور متشنج شود و نظامیان به دستگیری و سرکوب اعضای مجلس شورای جبهه نجات اسلامی؛ از جمله عبدالقادر حسّانی و رابع کبیر و هواداران آنها پردازند. همین امر زمینه تشکیل گروه‌های مسلح اسلامی و ارتش نجات اسلامی را فراهم کرد (خسروشاهی، ۱۳۷۹: ۸۹؛ عودی، ۱۳۸۴، ذیل: «جبهه نجات اسلامی الجزایر»).



با این حال، و به دنبال وضعیت بحرانی و متشنجی که در کشور پیش آمد، وزارت کشور با صدور بیانیه‌ای جبهه نجات اسلامی الجزایر را به‌عنوان محلّ امنیت معرفی کرد و در پی آن، نیروهای امنیتی مقر اصلی حزب را در الجزیره تعطیل نمودند. در ۴ مارس ۱۹۹۲ دادگاه الجزیره حکم انحلال جبهه نجات اسلامی را صادر و دیوان عالی کشور در ۲۹ آوریل ۱۹۹۲ این حکم را تایید نمود (عودی، ۱۳۸۴، ذیل: «جبهه نجات اسلامی الجزایر»؛ امیردهی، ۱۳۸۸: ۱۵۳-۱۵۴).

با این وجود، جبهه نجات اسلامی الجزایر به‌رغم فشارها و انحلال، پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری، در آوریل ۱۹۹۹، بیانیه‌ای هفت صفحه‌ای، تحت عنوان استراتژی جبهه نجات اسلامی در حل بحران الجزایر، منتشر کرد.

در این بیانیه آمده بود که هرگونه بحران با یکی از راه‌های نظامی، روانی یا سیاسی پایان می‌یابد و الجزایر با دو روش نخستین نتوانسته است راه‌حلی برای از بین بردن بحران بیابد و با توجه به اینکه دولت‌های اسلامی یا عربی در وساطت بین مردم و دولت الجزایر موفق نبوده‌اند، به نظر می‌رسد برای حل بحران بتوان با انتخاباتی آزاد تحت نظارت سازمان‌های بین‌المللی، به مردم امکان داد که سرنوشت آینده خود و کشور را تعیین کنند (خسروشاهی، ۱۳۷۹: ۹۶-۹۷؛ عودی، ۱۳۸۴، ذیل: «جبهه نجات اسلامی الجزایر»).

ناکامی جبهه نجات اسلامی الجزایر عوامل مختلفی داشته که تعدد گرایش‌های موجود در جبهه، عامل مهمی در عدم انسجام آن و زمینه‌ساز تعدد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری در میان آن بوده است. به‌هرحال، جبهه

نجات اسلامی الجزایر توانست موفقیت‌های خوبی در عرصه سیاسی الجزایر به دست آورد که این موفقیت‌ها خوشایند مخالفان این جبهه و ارتش الجزایر نبود. به همین دلیل، جبهه منحل گردید و برخی از رهبران آن به زندان افتادند. مخالفان جبهه نجات اسلامی الجزایر در مواجهه با این گروه به گونه‌ای مصمم هستند که از هر تلاشی برای احیای آن ممانعت به عمل آورده و با هر گونه اقدامی برای فعال‌سازی جبهه در عرصه سیاسی به شدت برخورد می‌کنند (گزارش واصله از اداره دوم خاورمیانه عربی و شمال آفریقا، ۱۳۸۰: ۲۴۲-۲۴۳).

در ادامه به بررسی زمینه‌های شکل‌گیری جبهه نجات اسلامی الجزایر و نقش و جایگاه انقلاب اسلامی ایران در این جبهه پرداخته خواهد شد.

### زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری جبهه

#### ۱-۱- ناکارآمدی ناسیونالیسم ملی در حل بحران‌های جامعه

##### الجزایر

همچنان که می‌دانیم تا قبل از دهه هفتاد میلادی، گفتمان غالب در کشورهای عربی، گفتمانی مبتنی بر ناسیونالیسم و تکیه بر ویژگی‌های نژادی بود، و همین امر به‌عنوان عاملی برای تشکیل احزاب ملی و نیز شرکت در قیام‌ها و انقلاب‌های استقلال‌طلبانه محسوب می‌گردید. تبدیل شدن این نوع نگاه به گفتمان غالب در جامعه، زمینه‌ای فراهم کرد که گروه‌های اسلامی و شخصیت‌های برجسته اسلامی نیز، تحت لوای پرچم ملی‌گراها در انقلاب و قیام و یا مبارزات سیاسی قرار بگیرند.

نمونه این جریان را در مصر و در دوران جمال عبدالناصر (د. ۱۹۷۰ م) می‌بینیم که ناسیونالیسم به گفتمان غالب در سطح جامعه مصر و حتی عرب

آن روز، تبدیل گردید، به گونه‌ای که حتی الازهر مصر با توجه به علم و آگاهی‌ای که از تناقض ناسیونالیسم با مبانی اسلامی داشت، به حمایت از ناصریسم و مکتب ناسیونالیسم پرداخت و در صف یاران او قرار گرفت (عنایت، ۱۳۸۹: ۲۱۰).

این موضوع اختصاص به مصر نداشت، بلکه در دیگر کشورهای عربی نیز اتفاق افتاد. جریان ناسیونالیسم عربی حتی اسلام را به خدمت گرفته و آن را به عنوان دینی عربی مطرح کرد. عبدالرحمان بزاز (م. ۱۹۷۲)، یکی از طرفداران ناسیونالیسم عرب و نخست وزیر عراق در سال‌های ۶۶-۱۹۶۵، بر این نکته تأکید می‌کرد که اسلام دینی عربی است و بسیاری از اصول و برنامه‌های آن، امضاء و تأیید سنن عرب قبل از اسلام است (همان: ۲۰۲-۲۰۴).

به تدریج و با روشن شدن ناکارآمدی تفکر ناسیونالیسم در حل مشکلات جهان عرب، نیروهای اسلامی به این فکر افتادند که از جریان‌های ناسیونالیسم جداگشته و به تشکیل احزاب اسلامی اقدام نموده و به تدریج گفتمان و پارادایم جامعه را به پارادایم اسلامی تبدیل نمایند. در واقع پیش از این، ملی‌گرایی تجددخواه، به مثابه افق دوران و چارچوب نظری و نهادهایش به عنوان امری تخطی‌ناپذیر به منزله صوابت در نظر گرفته می‌شدند.

از این رو بیشتر جنبش‌های اسلامی نیز تلاش می‌کردند که خود را در چارچوب معیارها و استانداردهای ناسیونالیسم تعریف نمایند و بر ایدئولوژی ملت و پیشرفت صحنه بگذارند. با آشکار شدن ناتوانی ناسیونالیسم در تحقق وعده‌هایش، اعتماد به نفس جنبش‌های اسلام محور،

افزایش یافت و دیگر نه تنها محتوا، بلکه فرم نیز از انقیاد گفتمان ناسیونالیستی خارج گشته و از آن پس ارزش‌ها و سنت اسلامی را نمایندگی می‌کرد (دوست محمدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۰).

این موضوع امری بود که دقیقاً در الجزایر نیز اتفاق افتاد. در این کشور نیز نیروهای مسلمان غالباً تحت لوای ملی‌گراها به مبارزه می‌پرداختند. به‌عنوان نمونه، عباس مدنی از رهبران اصلی جبهه نجات اسلامی، در آغاز از اعضای جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر بوده است. وقتی که در ۱۹۶۲، الجزایر استقلال خود را به دست آورد، جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر، قدرت را در دست گرفت.

تأکید جبهه بر ناسیونالیسم ملی و عدم توجه به مبانی اسلام در عملکرد دولت، و نیز تفکرات انحصارطلبانه در عرصه قدرت، باعث شد که نیروهای اسلامی، به دنبال تأسیس احزاب مستقل بیفتند، امری که امکان‌پذیر نبود، چرا که بر اساس قانون اساسی الجزایر که در ۱۹۶۳ تحت نظارت جبهه آزادی‌بخش ملی تصویب شده بود، قدرت در این کشور تنها در اختیار یک حزب بود که همان جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر بود (صادقی، ۱۳۸۴، ذیل «جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر»).

این مانع قانونی راه را برای تشکیل احزاب مستقل دیگر می‌بست. زمینه‌ها و عواملی که در ادامه می‌آید، به همراه انتفاضه اکتبر ۱۹۸۸ که خود برآیند این مشکلات بود، زمینه بروز جنبش‌های اسلامی را فراهم کرد.

## ۲-۱- بروز مشکلات اقتصادی و سياسی

در دهه ۱۹۷۰، الجزایر برنامه صنعتی سازی ملی را در پیش گرفت که مبتنی بر درآمد نفت و گاز طبیعی بود. این برنامه در ابتدا تا حدودی با موفقیت پیش رفت؛ در دهه مذکور، میانگین رشد اقتصادی به ۷/۳٪ رسید، اما در اواسط دهه ۱۹۸۰، با افت قیمت نفت، این برنامه‌ها با بن‌بست مواجه شد و میانگین رشد اقتصادی در ۱۹۸۵ به ۵/۲٪ و در سال بعد به ۲/۹٪ تقلیل یافت و کشور با وخامت اوضاع اقتصادی، بیکاری، تورم بالا، بحران شدید کشاورزی، افزایش بدهی‌های خارجی، فساد اداری و نابرابری‌های شدید اجتماعی مواجه شد (عودی، ۱۳۸۴، ذیل: «جبهه نجات اسلامی الجزایر»).

در کنار این مشکلات، سیاست‌های دولت و برنامه‌هایی که در اداره کشور به اجرا درمی‌آمد، بر مشکل می‌افزود. به‌عنوان نمونه، سیاست‌های استخدامی دولت که راه را برای ورود فرانکفونیست‌ها تسهیل و برعکس، برای مردم عادی سخت و گاه ممتنع می‌نمود و نیز سیاست‌های آموزشی دولت که با وجود رسمی بودن زبان عربی، زبان فرانسه را محور اصلی تحصیلات در این کشور قرار داده بود و نیز فقر و تنگدستی که بر عموم مردم حاکم بود، زمینه و بستر لازم را برای ایجاد اعتراض‌های دامنه‌دار و پیوستن به

۱. فرانسه زبانی یا فرانکوفونی (به فرانسوی Organisation internationale de la Francophonie یا به اختصار La Francophonie)

جنبش‌هایی که خواهان بسط و گسترش عدالت در تمام سطوح بودند، فراهم کرد.

خصوصاً جریان‌های اسلام‌گرا به علت سردادن شعارهای اسلامی که خواست مردم الجزایر بود، از وضعیت بهتری برخوردار بودند. آنها به خوبی توانستند از فضا و بستر آماده مساجد به نحو احسن استفاده نموده و زمینه تقویت پایگاه مردمی خود و ارتقاء جایگاه خود در سطح جامعه را فراهم نمایند. این شرایط فرصتی فراهم کرد تا جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی در الجزایر اعلام وجود کرده و به صحنه سیاسی ورود پیدا کنند.

### ۱-۱- پیروزی انقلاب اسلامی و اوج‌گیری جنبش‌های اسلامی

بی‌تردید از تأثیرگذارترین انقلاباتی که در دنیا به وقوع پیوسته، می‌توان به انقلاب اسلامی ایران اشاره نمود که در قرن بیستم، تحولی عظیم در مقیاس بین‌المللی ایجاد نموده و موجب بیداری ملت‌های جهان و لرزش پایه‌های قدرت‌های جهانی شد. از جمله تأثیرات انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی است که در سطح جهان اسلام به‌خوبی قابل مشاهده است.

الجزایر نیز از این موضوع استثناء نیست، زیرا به فاصله کمی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با اوج‌گیری جنبش‌های اسلامی در منطقه خاورمیانه، در الجزایر نیز شاهد نضج‌گیری جنبش‌های اسلامی هستیم که یکی از آنها حرکت مسلحانه به رهبری بویعلی مصطفی در سال ۱۹۸۲ بود.

هر چند این حرکت با کشته‌شدن رهبر آن خنثی شد، اما از این جهت که آغازگر مبارزه قهرآمیز با رژیم در سال‌های بعد گردید، دارای اهمیت فوق‌العاده است، خصوصاً اینکه، حرکت‌های مسلحانه‌ای که بعداً پیش آمد، حرکت

بویعلی را سرمشق خود قرار دادند (خسروشاهی، ۱۳۷۹: ۸۶ و ۱۲۶؛ دوست‌محمدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱۱).

تأثیر انقلاب اسلامی به همین اندازه محدود نشد و به تدریج موج اسلام‌خواهی در الجزایر به راه افتاد و زمینه تشکیل احزاب اسلامی، از جمله جبهه نجات اسلامی را فراهم نمود. البته شاید نتوان تأثیر این انقلاب را در تحول بنیان‌های اعتقادی کشورهای سنی‌نشین پذیرفت، اما می‌توان پذیرفت که این تأثیر، در حرکت‌های اصلاحی و رفرم‌یستی بوده است (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

در کنار این مسئله، سیاست تعریب دولت الجزایر کمک کرد تا بازگشت به مفاهیم دینی از این طریق بیشتر گردد. در دهه شصت و در جریان اجرای سیاست تعریب، «جمعیت علماء المسلمین»<sup>۱</sup> هزاران نفر از معلمان و استادان دینی از مشرق جهان اسلام، به‌ویژه اخوانی‌ها از مصر که در شرایط فشار اجتماعی سیاسی از سوی دولت جمال عبدالناصر قرار داشتند، به الجزایر مهاجرت کردند.

این افراد در عمده مدارس، مراکز علمی و دینی و دانشگاه‌ها مشغول به کار شدند و الجزایر به تدریج، شاهد حضور تشکلهای مذهبی سازمان‌یافته شد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۷۶). این امر زمینه رشد و پرورش نیروهای اسلام‌گرا و انقلابی را فراهم کرد.

#### ۱-۱-۱- انتفاضه اکتبر ۱۹۸۸

۱. جمعیت علماء المسلمین در سال ۱۹۳۶ توسط شیخ عبدالحمید بن بادیس در الجزیره، پایتخت الجزایر تاسیس شد. پس از فوت بن بادیس در ۱۹۴۰، ریاست جمعیت علمای المسلمین را شاکرد و دوست او، شیخ بشیر ابراهیمی بر عهده گرفت. با تثبیت نظام تک حزبی در الجزایر در سال ۱۹۶۲ جمعیت علمای المسلمین نیز هم‌چون احزاب دیگر از فعالیت سیاسی باز داشته شد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۰۶-۲۰۸).

در دهه ۱۹۸۰، تشدید درگیری‌ها بین دانشجویان چپ‌گرا و دانشجویان مسلمان، و افزایش انحصارطلبی برخی از اعضای حزب حاکم (جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر) در انتخاب شاذلی بن جدید برای سومین بار به ریاست جمهوری، کاهش رشد اقتصادی، گرانی، کاهش درآمد مردم و در نتیجه کاهش قدرت خرید آنها، افزایش بیکاری، و رکود شدید فعالیت‌های اقتصادی سبب شد تا اعتصابات و تظاهرات سراسر الجزایر را فرا گیرد.

با گسترش ناآرامی‌ها در اکتبر ۱۹۸۸ و قیام مردمی که برخی آن را ثورة الخبز (انقلاب نان) نامیده‌اند، عده‌ای از مردم کشته شدند و دولت حاکم مجبور شد در ۲۳ فوریه ۱۹۸۹، با برگزاری همه‌پرسی، قانون اساسی را بازنگری کند (بوالشعیر، ۱۹۹۳: ۱۷۹-۱۷۸؛ عودی، ۱۳۸۴، ذیل: «جبهه نجات اسلامی الجزایر»).

این انفجار مردمی که تحول اجتماعی عمیقی را در الجزایر به وجود آورد، فاقد رهبری و تشکیلات سیاسی خاصی بود که بتواند آن را در اوج زدو خورد خشونت‌بار مردم با حکومت و دستگاه‌های سرکوبگر آن؛ یعنی ارتش و پلیس، سازماندهی و رهبری کند. هر چند اهداف سیاسی مشخصی در این انتفاضه وجود نداشت، نیروها و جریان‌های سیاسی با ایدئولوژی‌های متناقض و اهداف سیاسی متفاوت، اعم از اسلام‌گرایان و چپ‌گرایان بدون هیچ‌گونه هماهنگی و سازمان‌دهی در آن مشارکت داشتند (محمدی، ۱۳۸۴: ۴۶).

فقدان رهبری منسجم و سازماندهی مشخص، باعث شد که از این انتفاضه بهره‌زیادی برده نشود. مهم‌ترین اثر آن این بود که این انتفاضه، مقدمه‌ای برای ایجاد تغییر و اصلاح مواردی از قانون اساسی، برگزاری همه‌پرسی در فوریه ۱۹۸۹ و تصویب قانونی جدید شد که به تعدد احزاب منجر می‌شد؛ بدین امید که ضامن فراهم شدن فضای مثبت و سازنده‌ای برای اداره کشور و جامعه شود (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۹۱-۱۹۲).

البته تحركات اسلام‌گرایان قبل از این جریان آغاز شده بود. همچنان که گفته شد، بویعلی مصطفی در ۱۹۸۲ دست به قیام مسلحانه علیه حکومت الجزایر زد. یکی دیگر از این تحركات، پدیده بزرگ اسلامی در دانشکده مرکزی الجزایر در نوامبر ۱۹۸۲ بود که در آن، عباس مدنی نقش بارزی ایفا کرد. بدین مناسبت شیخ احمد سحنون<sup>۱</sup>، عباس مدنی و عبداللطیف سلطانی<sup>۲</sup> عریضه‌ای در چهارده بند نوشتند، تقدیم حکومت کردند.

در این بیانیه بر ضرورت اجرای احکام دین در تمام عرصه‌های اقتصادی و سیاسی، احترام به آزادی شهروندان، مخالفت با حضور زنان در عرصه قضا و تأکید بر حفظ بنیان خانواده، رد هر گونه اختلاط در مؤسسات و ادارات،

۱. رهبر جمعیت اسلامی رابطه الدعوه الاسلامیه است. این جمعیت دربرگیرنده اکثر سران احزاب اسلامی در الجزایر بوده و همواره در راه ایجاد تقریب بین احزاب اسلامی فعالیت می‌کرده است. شیخ احمد سحنون یکی از علمای بزرگ الجزایر است که از هر گونه گفت‌وگو با رژیم خودداری و همواره از مواضع احزاب اسلامی حمایت کرده است. وی ابتکار و رهبری راهپیمایی و اجتماع دانشگاه مرکزی نوامبر ۱۹۸۲ را عهده‌دار بوده است.

۲. شیخ عبداللطیف سلطانی در سال ۱۹۰۲ در قنطره از ولایت اوراس متولد شد. ایشان در جرگه افراد صاحب‌نفوذ جمعیت علماء المسلمین بود که در مقابل سیاست‌های سوسیالیستی دولت الجزایر ایستادگی و مقابله می‌کرد. سلطان پس از حوادث سال ۱۹۸۲ مجبور به اقامت اجباری شد و در ۱۶ آوریل ۱۹۸۴ در همان محل دیده از جهان فروبست (محمد، ۱۳۸۴: ۱۳۱). وی یکی از افراد جریان اسلامی بود که این جناح را از دایره اصلاحی مسالمت‌آمیز به دایره رادیکال با گرایش جهادی سوق داده بود (همان: ۴۵).

محکوم کردن فساد در ادارات و مدارس و تأکید بر ضرورت وجود برنامه‌های فرهنگی و تربیتی در مدارس، محکومیت حضور کارگزاران ضد دین در دستگاه‌های دولتی، محکومیت تبلیغات دولتی علیه نوگرایی اسلامی، باز شدن مساجد و آزادی زندانیان سیاسی تأکید شده بود.

احمد سحنون، عبداللطیف سلطانی و عباس مدنی این بیانیه را امضا کرده و محفوظ نحناح از امضا آن خودداری کرده بود، لذا بر خلاف آن سه تن، تحت پیگرد قرار نگرفت. شیخین سحنون و سلطانی در اقامت اجباری قرار گرفتند و عباس مدنی نیز به زندان افتاد. با این اقدام دولت، نیروهای اسلامی اعتراض خود را به زندانی کردن رهبرانشان ادامه دادند که در نتیجه، دولت اقدام به بازداشت محمد سعید و علی بلحاج، از دیگر رهبران جنبش اسلامی، نمود. پس از این قضیه، شیخین احمد سحنون و عبداللطیف سلطانی در اقامت اجباری قرار گرفتند و عباس مدنی نیز زندانی شد (محمد، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۴، قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۸۳-۱۸۴).

همچنین در آوریل ۱۹۸۲، اسلام‌گرایان در تشییع جنازه عبداللطیف سلطانی در شهرک القبه به منظور بسیج نیرو دست به نمایش قدرت زدند. آنها همچنین در اعتراض به قانون احوال شخصی، در می ۱۹۸۴، دست به تظاهرات زدند که نتیجه آن، محدودیت نقش زنان در امور مدنی شد (محمد، ۱۳۸۴: ۴۴-۴۵).

## ۲-۱-۱- تغییر قانون تک‌حزبی و تشکیل جبهه نجات اسلامی الجزایر

هم‌چنان‌که گفته شد، بعد از انتفاضه اکتبر ۱۹۸۸، دولت شاذلی بن جدید در سال ۱۹۸۹، قانون اساسی را که بر تک‌حزبی بودن نظام الجزایر تأکید می‌کرد، تغییر داده و اجازه تشکیل احزاب جدید را به شرط به‌دور بودن از گرایش‌های افراطی مذهبی و قومی صادر کرد (دلآرام، ۱۳۹۱: ۶۰). به دنبال تصویب قانون اساسی در ۲۳ فوریه ۱۹۸۹، قانون احزاب سیاسی در ۵ ژوئیه ۱۹۸۹ به تصویب رسید و بر اساس آن، بیش از ۵۰ حزب سیاسی اجازه فعالیت گرفتند. سه حزب اسلامی جبهه نجات اسلامی (FIS) در ۶ سپتامبر ۱۹۸۹، جنبش اسلامی النهضه در دسامبر ۱۹۹۰ و جنبش جامعه اسلامی (حماس) در آوریل ۱۹۹۱ از وزارت کشور اجازه فعالیت گرفتند. این سه حزب، عمده‌ترین احزاب اسلامی در الجزایر بودند که جبهه نجات اسلامی در رأس آنها قرار داشت. عمده‌ترین احزاب غیر اسلامی که پس از تصویب قانون اساسی فوریه ۱۹۸۹ فعالیت خود را شروع کردند، عبارت بودند از: جبهه نیروهای سوسیالیستی، حزب تجمع برای فرهنگ و دموکراسی، حزب جنبش برای دموکراسی در الجزایر و حزب التحدی (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۹۴). البته گفتنی است که هیچ‌کدام از این احزاب نتوانستند جایگاه جبهه نجات اسلامی را پیدا کنند.

در میان عوامل فوق، انقلاب اسلامی ایران نقش ویژه‌ای در پیدایش جبهه نجات اسلامی داشته که در ادامه به تحلیل این نقش و نیز جایگاه انقلاب اسلامی ایران در میان رهبران و اعضای جبهه نجات اسلامی الجزایر پرداخته خواهد شد.

### ۳-۱-۱- تحلیلی بر نقش و جایگاه انقلاب اسلامی ایران در جبهه نجات اسلامی الجزایر

همچنان که پیش‌تر اشاره شد وقوع انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری جبهه نجات اسلامی الجزایر دانسته شده است. در واقع انقلاب اسلامی ایران به دلیل موفقیت چشمگیری که در سرنگونی رژیم شاهنشاهی و مقابله با استکبار جهانی به دست آورده بود، الگویی فراروی جریان‌های اسلامی بود که خواسته و یا ناخواسته از آن تأثیر می‌پذیرفتند. جبهه نجات اسلامی نیز از این ویژگی مستثنا نبوده و به‌مانند دیگر جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی در جهان پس از انقلاب اسلامی ایران، از آن تأثیر پذیرفته است.

در این بخش به بررسی نقش انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری و تداوم جبهه نجات اسلامی و نیز جایگاه انقلاب اسلامی ایران در میان رهبران و تشکیلات جبهه نجات اسلامی الجزایر مورد بررسی و تبیین قرار خواهد گرفت.

### ۳-۱-۲- نقش انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری و تداوم جبهه نجات اسلامی الجزایر

انقلاب اسلامی ایران به دلیل جذابیتی که در شعارها، اهداف و محتوای انقلاب و نیز به جهت مشترکاتی که با سرزمین‌های اسلامی داشته، پدیده‌ای تأثیرگذار بر جهان اسلام بوده است (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۳۰۴). این بن‌مایه‌های تأثیرگذار به‌صورت «طبیعی» و یا «ارادی و برنامه‌ریزی شده» و از طریق ارتباطات علمی، فرهنگی و مانند آن در کشورهای اسلامی بازتاب یافته (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۲۸؛ محمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۰) و جنبش‌های دینی در

جهان اسلام را به حسب شرایط و قابلیت‌ها تحت تأثیر خود قرار داده است (هزاوه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۳۸).

شعارهای «استکبارستیزی»، «استبدادستیزی»، «نفی نظام‌های لیبرالی»، «نفی نظام کمونیستی»، «نفی سلطه‌پذیری»، «حاکمیت‌الله بر جامعه انسانی»، «حاکمیت قوانین و ارزش‌های الهی بر جامعه»، «مشروعیت حق مردم برای تأثیرگذاری در سرنوشت خود» از جمله شعارهایی بود که انقلاب اسلامی ایران آنها را فریاد زده و محقق ساخته بود (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۰-۱۲۱؛ دوست‌محمدی، زاهدی، ۱۳۹۱: ۸۷).

همین شعارها از سوی جریان‌های اسلامی با اقبال مواجه شد. از سویی تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، به دلیل رواج تفکرات مارکسیستی در جوامع اسلامی تصور اینکه انقلابی بر پایه ارزش‌های دینی و به‌دوراز مبانی مارکسیسمی موفق شود، دورازذهن بود (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

برای همین در بسیاری از کشورها و از جمله الجزایر، گروه‌های اسلامی به‌رغم تفاوت ایدئولوژیکی‌ای که داشتند، برای استقلال الجزایر در کنار گروه‌های مارکسیسمی قرار گرفته و دوشادوش آنان حرکت‌های استقلال‌طلبانه را دنبال می‌کردند و اساساً ذیلی از آنها به حساب می‌آمدند (بصیرت‌منش، خانی، ۱۳۹۶: ۶۱؛ فوزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۹). با وقوع انقلاب اسلامی ثابت شد که می‌توان بر پایه مبانی و ارزش‌های اسلامی و به‌دوراز شعارهای کمونیستی مردم را به میدان آورده و رژیم‌های وابسته و فاسد را کنار گذاشت.

بنابراین، انقلاب اسلامی توانست گروه‌ها، احزاب و جنبش‌های اسلام‌گرا را در مناطق مختلف جایگزین گروه‌های مارکسیستی و کمونیستی کرده (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۵۷) و به آنها جرأت اقدام دهد. این ویژگی درباره الجزایر نیز صادق است و همچنان که پیش‌تر نیز اشاره شد یکی از پیامدهای انقلاب اسلامی، شکل‌گیری جبهه نجات اسلامی الجزایر بود که با مشاهده عینی وقوع انقلابی بر محور دین اسلام، انگیزه کافی و لازم را برای فعال‌سازی جریان اسلام‌گرایی در الجزایر کسب کردند (احمدی، ۱۳۸۵: ۷۳؛ ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۸۹).

این موضوع در سخنان برخی از رهبران جبهه نیز آمده است. همچنان که علی بلحاج به‌رغم واگرایی‌ای که از انقلاب اسلامی ایران داشت، بر تأثیرگذاری اندیشه‌های امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) بر جوانان الجزایری و گروه‌های انقلابی آن کشور تصریح کرده و بر تلاش خود برای نقد این اندیشه‌ها تأکید کرده است (بلحاج، ۱۹۸۹: ۶۸-۶۷).

برخی این تأثیرگذاری را در دو مرحله بذر پاشیدن و بروز و ظهور تعریف کرده‌اند، بدین معنا که در دهه اول انقلاب، شعارها، اهداف و پیام‌های انقلاب اسلامی در پیدایش جبهه نجات اسلامی تأثیرگذار بوده و در مرحله دوم با بروز و ظهور این جبهه در صحنه سیاسی الجزایر جلوه بیشتری از شعارهای انقلابی نشان داده شده است. در ادامه جبهه نجات اسلامی الجزایر حرکت‌های اصلاحی خود را تقویت کرده و از طریق نفوذ تدریجی در ساختارهای قدرت به اهداف خود نائل آیند (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

بررسی و تحلیل سخنان، راهبردها و نیز رفتار جبهه نجات اسلامی الجزایر مویذ تأثیرپذیری آنها از انقلاب اسلامی ایران است. به‌طورکلی، اساس حرکت جبهه، اسلام‌گرایی و تلاش برای اداره جامعه بر اساس اصول اسلامی بوده است که این امر یکی از اهداف اعلامی و تحقق‌یافته انقلاب اسلامی ایران بوده است. جبهه نجات اسلامی الجزایر بارها در هفته‌نامه المنقذ به نوشته‌ها و اندیشه‌های متفکران اسلامی، چون شیخ محمد غزالی، سید قطب و مالک بن نبی، استناد شده است. اینان بیشترین توجه را به مقابله با هجوم فرهنگی و بازگشت به خویشتن در برابر غرب‌گرایی و بیگانگی پرستی معطوف کرده بودند (عودی، ۱۳۸۴، ذیل: «جبهه نجات اسلامی الجزایر»).

همچنان که برپایی حکومت اسلامی یک هدف راهبردی برای جبهه نجات اسلامی الجزایر بوده و آنان به دنبال آن بودند مبانی و ارزش‌های اسلامی وارد حکومت شود و حقوق الهی در حکومت، اساس قدرت در این دولت دینی باشد، تا بتوان جامعه‌ای اسلامی را تأسیس کرد که اسلام عقیده و شریعت آن باشد. این جبهه هر قدرتی غیر از قدرت خدا را رد کرده و به حکومتی غیر از حکومت خدا، رضایت نمی‌داد (محمد، ۱۳۸۴: ۷۴). این موضوع در سخنان برخی از اعضای جبهه آمده است. به‌عنوان نمونه، عثمان امقران؛ از اعضای مؤسس جبهه نجات اسلامی الجزایر، در روز جمعه؛ دهم مارس ۱۹۸۹، طی سخنانی اهداف و آرمان‌های جبهه نجات اسلامی را تشریح کرد.

تلاش برای وحدت صفوف اسلامی و حفظ آن، حل مشکلات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در چارچوب موازین شرع، حفظ اعتدال و میانه‌روی در فعالیت‌ها و برنامه‌ها، دوری از کارهای فردی و غرض-ورزی‌های شخصی، استفاده از نیروهای مبتکر و مسلمان برای حل مشکلات و کمک گسترده به امت اسلامی در تحقق اهدافش از جمله اهدافی بود که وی در سخنانش برای جبهه نجات اسلامی برشمرد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۱۶-۲۱۵). آنان همچنین گونه‌های دیگر حکومت را نفی می-کردند. همچنان که علی بلحاج مخالفت خود را با گونه‌های دیگر حکومت اعلام کرده و بر بیزاری از دموکراسی و استبداد تأکید ورزیده است (محمد، ۱۳۸۴: ۷۱).

جبهه نجات اسلامی الجزایر همچنان که در شکل‌گیری متأثر از انقلاب اسلامی بود، در رفتارها و روش‌ها نیز از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفت که به‌عنوان نمونه می‌توان به الگوگیری از روش راهپیمایی‌های مردمی اشاره کرد که گفته شده است با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران بوده است (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۲۴).

بازگشت به مساجد و احیای نقش آنها در جامعه از دیگر تأثیراتی بود که انقلاب اسلامی ایران در جنبش‌های اسلامی از جمله جبهه نجات اسلامی الجزایر گذاشت (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۸؛ فوزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۹). جالب اینجاست اولین جلسه شکل‌گیری این جنبش در مسجد اتفاق افتاد و این مکان به‌عنوان پایگاهی مهم در طول زمان مورد توجه جبهه قرار داشته است (محمد، ۱۳۸۴: ۵۶-۵۷؛ دوست محمدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱۲).

تأکید بر رفتار اسلامی در عرصه‌های مختلف از دیگر تأثیراتی بود که انقلاب اسلامی ایران در جبهه نجات اسلامی الجزایر گذاشت. از این رو، تأکید بر حفظ حجاب و پرهیز از اختلاط، اهمیت نماز جمعه و اعمال و رفتارهای اسلامی از مطالبات جبهه بوده است (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۹).

بنابراین، الگوگیری از پیام‌ها، محتوا، اهداف، روش‌ها و رفتارها از جمله زمینه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در جبهه نجات اسلامی الجزایر بوده که طبیعتاً با توجه به ماهیت جبهه و مبانی اعتقادی گروه‌های مختلف آن سطح این تأثیرپذیری متفاوت بوده است.

### ۲-۳- جایگاه انقلاب اسلامی ایران در میان سران جبهه نجات اسلامی الجزایر

فهم جایگاه انقلاب اسلامی ایران در میان جبهه نجات اسلامی الجزایر در گرو تبیین نحوه رابطه این جریان با جمهوری اسلامی ایران است.

نوع ارتباط جبهه نجات اسلامی الجزایر با دیگر کشورها؛ خصوصاً کشورهای اسلامی، وابسته به نوع دیدگاه جناح‌ها و گروه‌های آن بود. بر این مبنا نگاه جبهه و موضع آن نسبت به جمهوری اسلامی ایران، با توجه به تفاوت دیدگاه‌ها و مبانی رهبران آن تعریف می‌شد. موضع جناح سلفی و تندرو جبهه نسبت به ایران نگاهی کاملاً منفی و خصمانه بود. علی بلحاج از رهبران جناح تندرو و سلفی جبهه، خطر ایران را جدی دانسته و مبارزه با افکار امام خمینی (رحمة الله علیه) را تکلیف خود می‌دانست.

وی در مصاحبه‌ای که با مجله البیان داشت، بر این نکته تصریح نموده و ایران و افکار امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) را خطری جدی تلقی نموده است. وی با انتقاد از کسانی که به ایران حسن ظن داشته و خواهان روابط با ایران هستند، بر مبارزه با ایران تأکید نموده و در جواب کسانی که وی را به خاطر داشتن نگاه منفی نسبت به ایران مورد انتقاد قرار می‌دهند، می‌گوید که عقیده تسامح بردار نیست (بلحاج گفتگو)، ۱۹۸۹: ۶۸).

به طور حتم، این نوع نگاه منحصر در ایشان نبوده و هم‌فکران ایشان که نقش عمده‌ای در فعالیت‌های جبهه داشته‌اند، نیز این دیدگاه را دارند. البته این مسئله باعث نخواهد شد تأثیر پذیری وی و الگوگیری او از انقلاب اسلامی را نفی کنیم، چه اینکه همچنان که پیش‌تر اشاره شد، خود نیز به این موضوع اشاره کرده است.

در مقابل، جناح میانه‌رو؛ خصوصاً رهبر آن؛ عباس مدنی، نگاه مثبتی به انقلاب اسلامی ایران داشتند. عباس مدنی مواضع ایران را در برخی از مسائل بین‌المللی نظیر جنگ امریکا با عراق ستود و کوشید دیدگاه سایر اعضای جبهه را نسبت به ایران تغییر دهد (عودی، ۱۳۸۴، ذیل: «جبهه نجات اسلامی الجزایر»). وی همچنین در جریان سفرش به ایران در سال ۱۳۶۹، با مقام معظم رهبری دیدار نموده و با ایشان گفتگو کرد.

(<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=11104>)

## جمع‌بندی

جبهه نجات اسلامی الجزایر یکی از جریان‌های اسلام‌گرا و مؤثر الجزایر در بازه زمانی دهه هشتاد میلادی تا ابتدای قرن بیست و یکم بوده است. این جبهه متأثر از شرایط الجزایر و در پاسخ به نیاز جامعه و با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران پا به عرصه سیاسی الجزایر نهاد. با وجود آنکه این جبهه متشکل از گروه‌ها و جریان‌های مختلفی بود، اما تحلیل‌گران انقلاب اسلامی ایران را در دو عرصه «بذرپاشی» و «تداوم حیات» جبهه نجات اسلامی الجزایر مؤثر می‌دانند.

در واقع انقلاب اسلامی نقش خود را در انتقال پیام‌ها، محتوا و اهداف و نیز در ارائه الگوی روشی و رفتاری انقلابی‌گری به نیروهای اسلام‌گرای الجزایر منتقل کرد و همین مسئله به پیدایش این جبهه و تداوم حیات آن کمک کرد.

با این وجود، نوع نگاه گروه‌های مختلف جبهه نجات اسلامی الجزایر به جمهوری اسلامی ایران یکسان نبوده و در کنار کسانی که تعامل سازنده-ای با جمهوری اسلامی نداشته و اتفاقاً به دنبال تقابل با آن بوده‌اند، جریان‌های واقع‌گرای جبهه نجات اسلامی الجزایر از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده و حتی به ملاقات رهبری معظم آن نانل می‌آیند.

نکته پایانی آنکه، جبهه نجات اسلامی الجزایر با وجود آنکه در میان مردم از جایگاه خوبی برخوردار بود، به دلیل ترس نظامیان از قدرت گرفتن

روزافزون آن در اوائل دهه نود میلادی منحل گردید و همین امر پایانی بر حضور سیاسی مستقل این جبهه بود. با این وجود، گروه‌های منشعب شده از آن، مسیر انقلابی‌گری را به گونه‌ای دیگر دنبال می‌کنند.

به نظر می‌رسد تعارض اهداف و برنامه‌های جبهه با منافع نظامیان، دموکرات‌ها، لائیک‌ها و دیگر احزاب و گروه‌ها، عدم انسجام درونی جبهه، تعدد دیدگاه‌ها و افکار و نیز فقدان رهبری مقتدر از دیگر دلایل ناکامی جبهه در تحقق اهدافش می‌باشد.

## منابع

۱. احمدی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، «انقلاب اسلامی احیاگر ارزش‌های دینی»، نشریه پیام، شماره ۸۱، ص ۵۶-۸۰.
۲. امیردهی ع.ر، (۱۳۸۸)، «سرزمین‌های اسلامی؛ الجزایر سرزمین یک میلیون شهید»، اندیشه تقریب، سال پنجم، شماره هجدهم، ص ۱۳۳-۱۶۲.
۳. چبرازی، تمام مکرم، (۲۰۰۲)، الجزائر تحت حکم العسکر من زروال الی بوتقلیقه، قاهره، مکتبه مدبولی الصغیر، چاپ اول. برومند اعلم، عباس، (۱۳۹۱)،
۴. «ظهور و کارکرد اسلام سیاسی در روند استقلال الجزایر»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۲، ص ۲۱-۴۱.
۵. بصیرت منش، حمید؛ خانی، امین، (۱۳۹۶)، «تأثیر انقلاب الجزایر بر مبارزات سیاسی ایران به روایت انقلابیون ایرانی»، تاریخ‌نامه انقلاب، سال اول، دفتر دوم، شماره ۲، ص ۵۹-۸۵.
۶. بلحاج علی (گفتگو)، (۱۹۸۹)، «مقابله مع الشیخ علی بلحاج؛ عضو جبهه الاسلامیه للانقاذ فی الجزائر»، البیان، المنتدی الاسلامی لندن، شماره ۲۳.
۷. بوالشعیر سعید، (۱۹۹۳)، النظام السیاسی الجزائری، الجزایر، دارالهدی، چاپ دوم.
۸. حشمت‌زاده، محمداقبر، (۱۳۷۸)، «مقدمه و چارچوبی برای بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران در کشورهای اسلامی»، نامه پژوهش، شماره ۱۲ و ۱۳، ص ۲۱۱-۲۳۴.
۹. خسروشاهی سید هادی، (۱۳۷۹)، الجزایر؛ سرزمین قهرمانان اسلامی، کلبه شروق، تهران.

۱۰. دل آرام یدالله، (۱۳۹۱)، الجزایر، تهران، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سیهید صیاد شیرازی، چاپ اول.
۱۱. دوست محمدی، احمد؛ زاهدی، نسا، (۱۳۹۱)، «تحلیل تأثیر بحران فرهنگی اجتماعی، انقلاب اسلامی ایران و جهانی شدن بر ظهور اصول‌گرایی اسلامی در الجزایر»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۴، ص ۷۷-۹۰.
۱۲. دوست محمدی، احمد؛ زحمت‌کش، حسین، (۱۳۸۷)، «زمینه‌های گفتمانی عروج بنیادگرایی اسلامی در جهان عرب»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۳، ص ۷۱-۹۴.
۱۳. دوست محمدی، احمد؛ زحمت‌کش، حسین، (۱۳۸۸)، «بررسی ریشه‌های خشونت در الجزایر دهه ۹۰»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۳، ص ۲۰۱-۲۲۰.
۱۴. گزارش واصله از اداره دوم خاورمیانه عربی و شمال آفریقا، (۱۳۸۰)، «دیدگاه‌ها نسبت به بازگشت جبهه نجات اسلامی به صحنه سیاسی الجزایر»، مجله مطالعات آفریقا، شماره ۴، ص ۲۳۹-۲۴۶.
۱۵. شافعی، بدرحسن، (۱۳۸۲)، «الجزایر؛ یک دهه بحران»، مترجم سید شاهپور حسینی، مطالعات خاورمیانه، شماره ۵۷، ص ۵۷-۶۶.
۱۶. صادقی یکتا، اصغر، (۱۳۸۴)، مدخل: «جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ اول.
۱۷. علوی، فریده؛ رضوان طلب، زینب، (۱۳۹۲)، «تحلیل جامعه شناختی جنگ استقلال الجزایر و بازنمایی آن در آینه ادبیات»، مطالعات سیاسی - اجتماعی جهان، دوره ۳، شماره ۲، ص ۲۳۱-۲۶۸.
۱۸. عنایت حمید، (۱۳۸۹)، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ پنجم.

۱۹. عودی ستار، (۱۳۸۴)، مدخل: «جبهه نجات اسلامی الجزایر»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ اول.
۲۰. فوزی، یحیی؛ هاشمی، سید عباس؛ پایاب، بهروز، (۱۳۹۲)،
۲۱. وضعیت جریان‌ات اسلام‌گرا در الجزایر و چشم‌انداز آینده»، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره چهارم، ص ۱۳۵-۱۶۳.
۲۲. قاسمی مصطفی، (۱۳۹۰)، آشنایی با کشورهای اسلامی؛ الجزایر، تهران، موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، چاپ اول.
۲۳. کریمی جواد، (۱۳۷۷)، مدخل: «بوم‌دین»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ اول.
۲۴. محمد، ابراهیم و دیگران، (۱۳۸۴)، جبهه نجات اسلامی الجزایر، تهران، ترجمه و نشر موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، چاپ سوم.
۲۵. محمدی، منوچهر، (۱۳۸۳)، «بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳، ص ۱۱۹-۱۴۲.
۲۶. ملکوتیان، مصطفی، (۱۳۸۹)، «انقلاب اسلامی، نظام بین‌الملل و آینده غرب»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۰، ص ۴۳-۷۰.
۲۷. ملکوتیان، مصطفی، (۱۳۸۹)، «ایدئولوژی و رهبری و تأثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، فصلنامه سیاست، شماره ۱۴، ص ۲۸۷-۳۰۶.
۲۸. هزاوه‌ای، سید مرتضی، (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و آینده اسلام سیاسی در منطقه»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، ص ۱۱۳-۱۴۴.
۲۹. «دیدار رهبر نجات اسلامی الجزایر با رهبر انقلاب اسلامی ایران»، ۱۷ بهمن ۱۳۶۹:
۳۰. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۱۱۱>